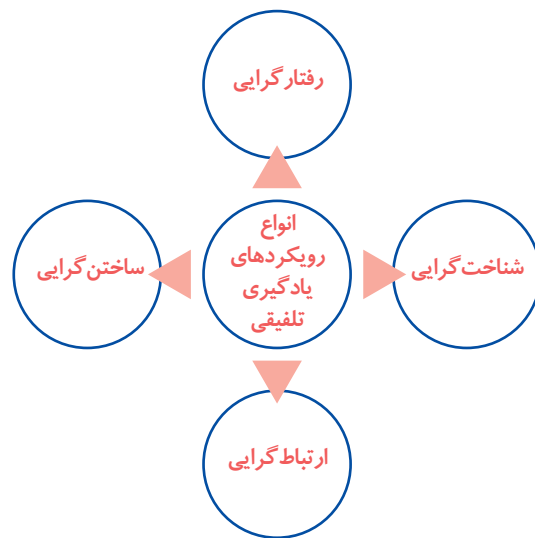




### رویکرد تلفیقی و نظریه‌های یادگیری

ویژگی‌های یادگیری تلفیقی بر چهار رویکرد «رفتارگرایی، شناخت‌گرایی، ساختن‌گرایی و ارتباط‌گرایی» به این شرح مبتنی است:



### مبانی فناوری آموزشی

# نسبت نظریه‌های یادگیری با رویکرد تلفیقی

زهره ابراهیمی

کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی

#### اشاره

امروزه ما در معرض تحول کامل در چارچوب‌های تعلیم و تربیت قرار گرفته‌ایم. عصر اینترنت و فضای مجازی دستخوش تغییرات اساسی شده است. ساحت‌های جدیدی که دانش و اطلاعات در آن‌ها سیر می‌کند، بسیار متمایز از آن چیزی است که نسل‌های پیشین تجربه می‌کردند؛ به گونه‌ای که سبک‌های کسب دانش را دچار تغییرات شگرف کرده است. در چنین فضایی، ضروری است برای نظریه‌پردازی‌ها و الگوسازی‌هایی که در این زمینه انجام گرفته‌اند و می‌گیرند، بیش از پیش ارزش قائل شویم (دیویس، ۲۰۱۵).

در این راستا، یکی از رویکردهایی که در چند سال اخیر در کانون توجه محققان تعلیم و تربیت قرار گرفته و پژوهش‌های زیادی نیز در مورد آن به انجام رسیده، یادگیری تلفیقی است. هدف از نگارش مقاله حاضر، بررسی انواع رویکردهای یادگیری تلفیقی به عنوان الگویی جدید در نظام آموزشی است.

کلیدواژه‌ها: یادگیری تلفیقی، یادگیرنده، آموزش

### رویکرد رفتارگرایی

رفتارگرایی دیدگاهی است که به تبیین رفتار به کمک تجربه‌های قابل مشاهده تأکید می‌کند، نه فرایندهای ذهنی<sup>۱</sup> (سیف، ۱۳۹۲).

در نگاه طرفداران این مکتب، یادگیری چیزی محسوب می‌شود که در نهایت به تغییر رفتار منتهی شود.

در الگوهای آموزشی مبتنی بر نظریه رفتارگرایی نمی‌توان از الگوی طراحی آموزشی منحصر به فردی سخن گفت، ولی می‌توان به‌طور خلاصه به اصول کاربردی رفتارگرایی در طراحی محیط‌های یادگیری تلفیقی اشاره کرد:

- تأکید بر تمرین‌های فراوان و ارائه بازخورد فوری به یادگیرندگان.
- سازمان‌دهی فعالیت‌ها و ارائه مواد و محتوای آموزشی متناسب با سرعت یادگیری یادگیرندگان که از ضرورت‌های رفتارگرایی در طراحی محیط‌های یادگیری تلفیقی هستند.
- ارائه محتوا در قطعه‌های کوچک و گام به گام.
- سازمان‌دهی محتوا به‌صورت خطی و شاخه‌ای با استفاده از پیوندها و فرآیندها.

تحلیل موضوع و تعیین ساختار سلسله‌مراتبی محتوا انجام می‌شود.

- بهره‌گیری از راهکارهایی که انتقال یادگیری را بهبود می‌بخشد.

برای مثال استفاده از تمرین‌های فراوان در خلال یادگیری تلفیقی یا استفاده از مسائل برگرفته از زندگی واقعی یادگیرندگان.

### رویکرد سازنده‌گرایی

نظریه به‌نسبت جدیدی که در روان‌شناسی و آموزش و پرورش با نام نظریه سازندگی یا سازنده‌گرایی مطرح شده است، در اندیشه‌های علمی و فلسفی گذشته ریشه دارد. دیدگاه سازنده‌گرایی از پژوهش‌های پیاز، ویگوتسکی، روان‌شناسان گشتالتی، بارلتو، برونو و نیز از فلسفه پرورشی جان دیویی سرچشمه می‌گیرد. سازنده‌گرایی بر نقش فعال یادگیرنده در درک و فهم و ساختن دانش تأکید می‌کند و بر این فرضیه مبتنی است که دانش به‌وسیله یادگیرندگان، با تلاش برای فهم تجربه‌هایشان، به‌صورت فعالانه ساخته می‌شود. آن‌ها اطلاعات جدید را تفسیر و به ساختارهایی که از تجربه قبلی ایجاد شده‌اند، مربوط می‌کنند. کسب دانش مستلزم تفسیر فعال به‌وسیله یادگیرندگان است تا روابط جدیدی میان ساختارهای موجود شکل گیرند. این فرایند برای یادگیری، حل مسئله، استدلال، تفکر نقاد و استفاده فعال و مبتکرانه از دانش ضروری است (عباسی، ۱۳۹۴).

رویکرد ساختن‌گرایی اصول کاربردی زیر را به‌منظور طراحی محیط‌های یادگیری تلفیقی در بر دارد:

- ارائه اهداف آموزشی در قالب فعالیت‌های پروژه‌محور، موضوعات و مسئله‌های تحقیقاتی و برگرفته از موقعیت‌های واقعی یادگیرندگان.
- لحاظ کردن ابزارهای همکاری، مباحثه، و انجام کارهای تیمی و گروهی مانند استفاده از قابلیت اتاق‌های بحث و گفت‌وگو.
- فراهم کردن امکان تدوین محتوای آموزشی توسط یادگیرندگان.
- ارائه تکالیف متنوع از قبیل انجام طرح‌های تحقیقاتی برای یادگیرندگان.
- تأکید بر یادگیری اکتشافی به‌منظور تفویض مسئولیت یادگیری به یادگیرندگان. به‌طور مثال، عنوان بحث در اختیار یادگیرندگان قرار گیرد و آن‌ها تحت نظارت آموزگار به جست‌وجوی اطلاعات در بانک‌های اطلاعاتی مرتبط بپردازند.

### رویکرد ارتباط‌گرایی

این رویکرد بر حوزه یادگیری در عصر دیجیتال تأکید دارد و جورج زیمسنس در سال ۲۰۰۴ آن را ارائه کرده است. مبنای معرفت‌شناختی این نظریه «دانش ارتباطی» یا دانش توزیع شده است که استغن داوونز در سال ۲۰۰۸ معرفی کرده و آن را گسترش داده است. ارتباط‌گرایی دیدگاهی است که دانش و شناخت را توزیع شده در سطح شبکه‌ای از افراد و فناوری‌ها می‌بیند و یادگیری را فرایند ارتباط، رشد و رهیابی آن شبکه‌ها می‌داند (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۹).

- تأکید بر پاسخ‌دهی آشکار یادگیرندگان، به این معنی که در عمل ایشان را به انجام فعالیت‌های قابل رؤیت وادارد.
- ارائه بی‌وقفه بازخورد پس از انجام فعالیت‌های طراحی شده.
- استفاده از تقویت‌کننده‌های متنوع و کافی پس از ارائه پاسخ صحیح. این تقویت‌کننده‌ها می‌توانند شامل انواع پاداش، از جمله نمایش فیلم و انیمیشن، و تقویت‌کننده‌های کلامی باشند.
- ارزشیابی از یادگیری یادگیرندگان بر اساس اهداف ازپیش‌تعیین‌شده که می‌تواند انواع روش‌های ارزشیابی مانند پرسش‌های چندگزینه‌ای، پرکردن جاهای خالی و پرسش‌های کوتاه پاسخ را شامل شود (آلن، ۲۰۱۷).

### رویکرد شناخت‌گرایی

علم روان‌شناسی در اواخر قرن بیستم شناختی‌تر شده است و تأکید بر عوامل شناختی امروزه نیز ادامه دارد (سعدی پور، ۱۳۹۰).

از نظر شناخت‌گرایان، یادگیری فرایندی درونی است که حافظه، انگیزش و تفکر نقش مهمی در آن ایفا می‌کنند. طبق این نظریه، یادگیری فرایندی است که طی آن دانش و اطلاعات به وسیله خود یادگیرنده کسب، پردازش، دستکاری و به یاد سپرده می‌شود (مک دونالد، ۱۳۹۴). سپس در موقعیت مناسب، دانش و اطلاعات کسب‌شده به وسیله خود یادگیرنده به یاد آورده، سازمان‌دهی و به دانش جدید مبدل می‌شود (نوروزی، ۱۳۹۶).

مفروضه‌های شناخت‌گرایی را در یادگیری تلفیقی نیز می‌توان مدنظر قرار داد؛ مفاهیمی از قبیل راهبردهای یادگیری، سازمان‌دهی مواد یادگیری، پیش‌سازمان‌دهنده و نقشه‌های مفهومی که از روان‌شناسی شناختی برآمده‌اند، به سهولت می‌توانند در یادگیری تلفیقی نیز به کار گرفته شوند.

- با بهره‌گیری از ویژگی‌های این نظریه، به‌منظور کاربست آن در طراحی محیط‌های یادگیری تلفیقی، می‌توان به اصول کاربردی زیر اشاره کرد:
- به‌کارگیری بیش‌سازمان‌دهنده‌ها در ابتدای ارائه محتوا، به‌منظور ایجاد ساخت شناختی لازم برای یادگیری مطالب جدید.
- استفاده از تکنیک‌های برجسته‌سازی متن در جهت جلب توجه و تمرکز هر چه بیشتر یادگیرندگان.
- استفاده از نقشه‌های مفهومی در پایان هر بخش از محتوا. این نقشه‌ها یادگیرنده را به سمت درک بهتر ارتباط بین مفاهیم در هر قسمت از پودمان آموزشی سوق می‌دهند.
- ارائه مطالب آموزشی با توجه به سبک‌های یادگیری یادگیرندگان.
- در یادگیری تلفیقی می‌توان از شیوه‌های متفاوت سازمان‌دهی و ارائه محتوای آموزشی بهره برد و به این ترتیب از سبک‌های یادگیری پشتیبانی کرد.
- شناخت یادگیرندگان از چرایی آموختن مطالب جدید که در ابتدای بخش‌های گوناگون محتوا درج می‌شوند.
- ضرورت توجه به پیش‌نیازهای یادگیری مطالب جدید که از طریق

یادگیری دارد و بر اساس اینکه طراح آموزشی بیشتر تحت تأثیر کدام نظریه یادگیری بوده است، مدل‌های طراحی آموزشی و اجرا نیز متفاوت خواهند بود. این ویژگی به طراح اجازه می‌دهد از طیف وسیعی از شرایط آموزشی مبتنی بر نظریه‌های یادگیری استفاده کند که این نکته به غنی شدن آموزش‌ها کمک شایانی می‌کند.

**کسب دانش مستلزم  
تفسیر فعال به‌وسیله  
یادگیرندگان است تا  
روابط جدیدی میان  
ساختارهای موجود  
شکل گیرند**

**پی‌نوشت**

**1. Mental processes**

**منابع**

- اسکندری، حسین؛ فردانش، هاشم؛ سجادی، سید مهدی (۱۳۸۹). ارتباط‌گرایی، در رقابت یا همسویی با دیگر نظریه‌های یادگیری. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، سال پنجم، شماره ۱۵۰.
- سعدی پور، اسماعیل (۱۳۹۰). روان‌شناسی تربیتی. مؤسسه نشر ویرایش. تهران.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۲). روان‌شناسی پرورشی نوین. دوران. تهران.
- طوفانی‌نژاد، احسان (۱۳۹۶). مقایسه میزان یادگیری از طریق یادگیری تلفیقی با آموزش حضوری در درس ریاضی سوم دبستان در مجتمع آموزشی پسرانه روزه شهر تهران. دانشکده تربیت معلم، دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران جنوب.
- عباسی، ایمان (۱۳۹۴). تأثیر بخش‌بندی در چندرسانه‌ای‌ها بر یادگیری، یادداری و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم در درس علوم تجربی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- الله کریمی، آزاد (۱۳۹۵). مقایسه یادگیری تلفیقی و آموزش حضوری بر خلاقیت و تفکر انتقادی دانش‌آموزان پایه دوم متوسطه شهرستان قدس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- مک دونالد، ژانت. (۱۳۹۴). راهنمای یادگیری و تدریس تلفیقی. ترجمه اسماعیل زارعی زوارکی و وحید صالحی (۱۳۹۵). انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- نوروزی، حجتی محمد؛ محسنی زاده، سیدمصطفی و جعفری‌ثانی، حسین (۱۳۹۶). تأثیر آموزش تلفیقی بر یادگیری مبحث علانم حیاتی در دانشجویان پرستاری و اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی مشهد. همایش سراسری مراقبت مبتنی بر شواهد. مشهد.
- Allen, I. E., Seaman, J. & Garret, R. (2017). Blending in the extent and promise of blended education in United States: The sloan consortium. Retrived 4 Jan 2010 from: <http://www. Blended teaching.org/special-report-blending-in>.
- Davis, F. D., Bagozzi, R. P., & Warshaw, P. R. (2015). User acceptance of computer technology: a comparison of two theoretical models. Management science, 35(8), 9821003.
- Fox, (2015). Teaching & learning lessons from psychology. Blackwell publishing, 350 main street. Malden, ma 021148 -5020, USA.

از ویژگی‌های نظریه ارتباط‌گرایی می‌توان به استوار بودن این نظریه بر استفاده از فعالیت‌های مبتنی بر وب به‌عنوان نمونه‌هایی از یادگیری اشاره کرد. این رویکرد از معلم شبکه‌ای شده و دانش‌آموز شبکه‌ای شده سخن می‌گوید، معلم شبکه‌ای شده و دانش‌آموز شبکه‌ای شده‌ای که به‌طور دائم با دیگران، رسانه‌های جمعی، منابع، وبی‌ها، منابع دیجیتال و کاغذی، جامعه محلی، بلاک‌ها، همایش‌های ویدیویی، تالارهای گفت‌وگو (چت)، شبکه‌های اجتماعی، جوامع برخط، نشان‌گذاری‌های اجتماعی، مراکز اشتراک‌گذاری و جوامع تولیدکننده محتوا ارتباط دارد (طوفانی نژاد، ۱۳۹۶). نکته ظریف در این است که نظریه ارتباط‌گرایی یادگیری را حاصل ارتباطات نمی‌داند، بلکه خود ارتباطات می‌داند. در این تعریف، یادگیری تنها از طریق شبکه اتفاق نمی‌افتد، یا از طریق شبکه تسهیل نمی‌شود، بلکه خود شبکه‌سازی به‌عنوان یادگیری معرفی می‌شود. اصول کاربردی نظریه ارتباط‌گرایی در طراحی محیط‌های یادگیری تلفیقی عبارت‌اند از:

- تلفیق و ترکیب انواع فناوری‌های مبتنی بر وب در فرایند آموزش، برای رسیدن به اهداف آموزشی (وب‌سایت‌ها، وبلاگ‌ها، ایمیل، کلاس‌های مجازی برخط، استفاده از متن، ویدیو و صداها).
- ارائه پیوسته منابع اطلاعاتی متنوع و غنی چاپی و غیرچاپی به یادگیرنده.
- خلق زیست‌بوم سرشار از محرک‌های جذاب و گوناگون، اعم از انواع عکس، فیلم و صداها، آموزشی برای سهولت یادگیری یادگیرندگان با سبک‌های یادگیری متفاوت.
- آموختن روش‌های تشخیص دانش ارزشمند، قبل از دریافت، یا یادگیری اطلاعات و ایجاد توانایی تشخیص دانش سره از ناسره در عصر انفجار اطلاعات در یادگیرندگان.
- مدل‌سازی محتوای یادگیری با استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی شبیه‌ساز و تولید و به‌کارگیری محتوای چند رسانه‌ای.
- ایجاد محیط یادگیری مشارکتی و فراهم‌سازی زمینه ارتباط دانش‌آموز با دانش‌آموز، دانش‌آموز با معلم و والدین و اعضای جامعه، معلم با معلم و به‌طور کلی ارتباط معلم و دانش‌آموز با انواع منابع چاپی و غیرچاپی در شبکه‌ای از ارتباطات متقابل.

**جمع‌بندی**

یادگیری تلفیقی رویکردی نوین در نظام آموزشی است که در آن برای آموزش یک دوره، از تلفیق نظریه‌ها، رسانه‌ها و ابزارهای آموزشی استفاده می‌شود. نظریه‌ها و اصول یادگیری در تصمیم‌گیری‌های آموزشی نقش بنیادین و کلیدی دارند. در این شیوه، حضور فیزیکی مدرس و یادگیرنده با سناریوهای گوناگون منطبق بر نظریه‌های یادگیری قابل انجام است. در واقع این نوع آموزش انعطاف‌پذیری بالایی دارد و با موقعیت‌های متنوع آموزشی سازگار است. طراحی آموزشی منطبق با یادگیری تلفیقی ارتباط تنگاتنگی با نظریه‌های